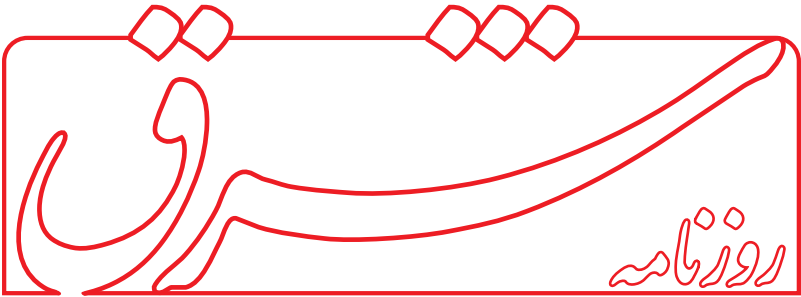




شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸-۷۱۹، ۸۸۸۸-۹، تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۵
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
چاپ: روز تاب/ جاده مخصوص کرج، پنج‌زمین شماره ۴ - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

تهران: اذان ظهر ۱۲:۳ اذان مغرب ۱۸:۳۰ اذان صبح فردا ۴:۴۹ طلوع آفتاب ۶:۱۳



چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۸۹ | ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۳۲ | ۱۶ مارس ۲۰۱۱ | سال پنجم | شماره پیاپی ۱۲۰۹ | شماره ۲۸۵ دوره جدید | ۱۲ صفحه | ۶۴ صفحه وب‌نامه

عکس‌های «بهمن جلالی» در موزه اشیر نکل



نمایشگاه آثار زنده‌یاد «بهمن جلالی» همراه با اهدای جایزه معتبر سیکتروم به این هنرمند، خردادماه سال آینده در آلمان برپا می‌شود. در این مجموعه آثار «جنگ و انقلاب»، «تصویر خیال»، «بوشهر»، «منظر شهری» و «زندگی روزمره» آرایه می‌شود. این نمایشگاه بیش از ۵۰۰ قطعه عکس را در بر می‌گیرد و هم‌زمان با برپایی آن، کتابی نیز با نام «بهمن جلالی» منتشر می‌شود. جایزه معتبر «سیکتروم» نیز از سوی بنیاد فرهنگی ایالت «نیدرزاکسن» آلمان به این هنرمند تقدیم‌آهدامی‌شود، این هنرمند برجسته در سال ۱۸۸۰ ز دنیا رفت.

پنجره

نمی‌دانیم روبه‌روی ما کیست



سهراب سلیمی

■ با کمال تأسف در سالی که گذشت نه تئاتر دیدم و نه نمایشی را روی صحنه آوردم با توجه به وضعیت نابسامان حوزه تئاتر که چه در برنامه‌ریزی و چه در سیاست‌گذاری‌ها وجود داشت.

جدداً از مسایل شخصی بی‌توجهی و بی‌مهری‌هایی نسبت به کارم دیدم و از زمانی که پشت در بسته اتاق مدیران برای گرفتن مجوز نمایش تلف کردم و امروز و فردا شنیدم خسته شدم و نامه‌انصرافم را از اجرای نمایشی که قرار بود روی صحنه بیاورم اعلام کردم و نه کاری دیدم و نه کاری انجام دادم. قصد نداشتم کاری را از سر تفریح و اضافه کردن تعداد نمایش‌هایم روی صحنه بیاورم که این همه کم‌مهری را تحمل کنم. در همه سال‌هایی که در تئاتر کار کردم کمیت کار نمایش برایم مساله نبوده و همیشه از روی انجام وظیفه و تعهدی که نسبت به تئاتر داشتم و دارم کار کردم و برای هیچ مدیری خوش‌رفقی نکردم. دورادور هم شاهد بودم که دوستان و همکارانم در این سال وضعیت بهتری نسبت به من نداشتند. بارها در همین مطبوعات بی‌مهری‌هایی که به همکارانم روا شده بود را شنیده یا خواندم.

فکر می‌کنم این وضعیت تا زمانی که تئاتر ما دچار مشکلات عدیده و نگاه‌های خاص هست، ادامه داشته باشد.

محمد یعقوبی، و حیدر ربیانی و پیام دهکردی هم دچار این مشکلات شدند.

مشکل بزرگ این است کسانی که مجوز می‌دهند مسوولیت خود را بر عهده نمی‌گیرند و این معضل تئاتر ما شده است.

* کارگردان تئاتر

کارتون
خواب

کیوان زرگری

keyvanzargari@yahoo.com



برداشت
آخر

پورا احمد هم به تئاتر می‌آید

فرزانه ابراهیم‌زاده



این‌را به‌راستایی بگویم. اتفاقی که به نظر مسعود رایگان و آریانا حاجیان، کارگردانان تئاتر که در عرصه سینما هم فعال هستند، می‌تواند مهم باشد. رایگان در گفت‌وگو با شرق با بیان اینکه ابتدا باید این‌را مد نظر قرار داد که ورود هنرمندان همیشه از عرصه تئاتر به سینما بوده است، گفت: «این موضوع اتفاق خوبی است. اما یک شرط مهم دارد و آن اینکه اصول قواعد تئاتر را بدانند و آنها را به کار ببندند.» به اعتقاد این کارگردان تئاتر: «اگر سینمایی‌ها با این پیش‌شرط وارد عرصه تئاتر شوند می‌توان این اتفاق را مبارک خواند.» آریانا حاجیان معتقد است مرکز هنرهای نمایشی

که برای تئاتر برنامه‌ریزی می‌کند؛ سعی می‌کند با حضور بازیگران سینما در تئاتر برای تئاتر جلب مخاطب کند: «این اتفاق را می‌توان از دو زاویه مورد بررسی قرار داد. ابتدا باید جنبه مثبت آن را دید. آن دسته از سینماگرانی که با تئاتر آشنایی ندارند به این بهانه با تئاتر و ویژگی‌های آن آشنا می‌شوند و بازیگری مادر را تجربه می‌کنند. همچنین این تصمیم سبب می‌شود بازیگران عرصه سینما و تئاتر بیشتر به هم نزدیک شوند و مسایل یکدیگر را بهتر بفهمند و با درک بهتر از کار سینما و تئاتر بتوانند به یکدیگر کمک کنند.» اما حاجیان یک جنبه منفی که دغدغه تئاتری‌ها هم هست را برای حضور هنرمندان سینما در تئاتر بر شمرده و به شرق می‌گوید: «جنبه منفی این کار زاویه‌ای است که مرکز به آن نگاه می‌کند؛ اینکه از ورود بازیگران سینما به عرصه تئاتر هم سوپر استارسازی کنیم.» به گفته حاجیان: «تئاتر، مادر سینما است و ارتباط درست بین این مادر و فرزند می‌تواند حاصلی خوب داشته باشد و یک اتفاق مثبت تلقی شود. اما این ارتباط باید به این شرط باشد که این رابطه مورد بررسی قرار گیرد و بر برنامه‌ریزی اتفاق بیفتد.»

تئاتر ایران شاید در مقایسه با سینمای ایران خیلی گسترده، جنجالی و پرحواشی نباشد و با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کند، اما همیشه «آنی» دارد که نمی‌گذارد فراموش شود و شاید همین «آن» خاص است که دغدغه‌ای برای سینماگران بوده و هست که در چند سال گذشته توجه خود را به سمت تئاتر معطوف کردند و به صحنه آمدند. البته در چند سال گذشته این رفت و آمد مختص بازیگران تئاتر بود و تعدادی از چهره‌های معروف سینما به تئاتر آمدند و روی صحنه رفتند. رفت‌وآمدهایی که در جای خود حرف و حدیث‌های بسیاری را دامن زد که شاید

خیلی ربطی به این گزارش نداشته باشد. اما این موج از عرصه بازیگری به کارگردانی هم رسیده است و چندین کارگردان شناخته شده سینما سودای صحنه کردند. همین‌الان که قرار است این گزارش را بخوانید نمایش «درس» به کارگردانی داریوش مهرجویی در مجموعه تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه است و کیومرث پوراحمد هم قرار است اجرای نمایش «خرده خانم» نوشته اصغر عبداللهی را در همین سال به صحنه ببرد. البته پوراحمد در گفت‌وگو با ایسنا گفته است: قرار بود «خرده خانم» پیش از اجرای نمایشنامه «درس» آقای مهرجویی در ایران‌شهر تا عید نوروز اجرا شود که من کار را به تعویق انداختم.» به این ترتیب پوراحمد بعد از تعطیلات عید نوروز با انتخاب گروه و دو ماه تمرین کار را برای اجرا در تابستان آماده می‌کند. او ورود به تئاتر را از دغدغه‌های کودکان دانسته و گفته است: «من از وقتی که بسیار بچه‌بوم و هنوز با سینما اخت نشده بودم، برادر منوچهر در اصفهان تئاتر بازی می‌کرد و من از بچگی در پشت صحنه تئاترها و در بین کارگردان‌ها و بازیگران حضور داشتم. حالا تئاتر عرصه‌ای شده برای کارگردانان سرشناس سینما که بخت خود را در

نگاه‌از
بیرون

به بهانه مرگ تندیس‌های بودا

جنگ؛ نابودگر میراث بشریت

هوشنگ طالعی

کنوناسیون جهانی کشورهای متخاصم را موظف به حفظ میراث فرهنگی و آثار تاریخی کشورهای مورد حمله کرده است. پس از آن هم وقتی آمریکایی‌ها وارد بغداد شدند با گروه‌هایی که از پیش تجهیز شده بودند، موزه ملی بغداد را غارت کردند و به طاق کسری که میراثی جهانی بود آسیب رساندند. همچنین در زمانی بسیار نزدیک‌تر، در همین یک ماه گذشته در مصر دیده شد که نیروهای امنیتی بخش‌هایی از دارایی‌های موزه‌های قاهره را غارت کردند. همه اینها نمونه‌هایی است که می‌شود از آنها نتیجه گرفت که باید در رده‌های بین‌المللی کوشش‌های بیشتری برای حفظ میراث فرهنگی کشورها شود؛ باید قراردادهای محکم‌تری از سوی سازمان‌های بین‌المللی ارایه شود و کشورها با سخنگیری بیشتری موظف شوند در جنگ‌ها و درگیری‌ها از میراث بشریت حفاظت کنند و باید در تغییر قراردادهای بین‌المللی شرایط جدی‌تر پیگیری شود و از همه مهم‌تر باید هر روز یادآوری کنیم که میراث فرهنگی، میراث بشریت است.

* مورخ

در کتاب‌های تاریخی از بامیان به‌عنوان خانه بزرگ‌ترین تندیس بودا یاد شده است؛ در ماه مارس سال ۲۰۰۱ میلادی یعنی درست ۱۰ سال قبل، ملا محمدعمر و عده کثیری از ملاح‌های افغان فتوایی صادر کردند که تمام بت‌های افغانستان باید تخریب شود. در آن زمان ۵۴ کشور جهان همه متفق بودند که مجسمه‌های عظیم بودا در بامیان یک میراث جهانی است، میراث بشریت است. اما طالبان به هیچ‌کس اعتنایی نکرد. کار تخریب را ابتدای مارس ۲۰۰۱ آغاز کرد و با مواد منفجره و جنگ‌افزارهای ضد هواییما به جان مجسمه‌ها افتاد اما مجسمه‌های بودا تخریب نشدند و جز چند خراش آسیمی به آنها رسید. بعد در طاقچه‌های آن مین‌های ضدتانک گذاشتند، انفجار آنها هم افاقه نکرد. سپس مردان محلی با ریسمان از بالا به پایین و از چپ به راست آن مواد منفجره اویزان کردند و سرانجام در یازدهم مارس ملا محمدعمر اعلام کرد «طالبان به افتخار تخریب بت‌های بودا در بامیان نایل آمده!» اکنون ۱۰ سال از این جنایت فرهنگی می‌گذرد؛ جنایتی که در حالی انجام گرفت که چندین

پیشخوان

شماره ویژه آیین برای نوروز منتشر شد

آیین نو، آیین نوروز

ادیب، عباس برومند اعظم، حسن پویا، حجت‌الله جودکی، حسین صادقی، جاوید قربان اوغلو، فریدون مجلسی و مجید مرادی در این باره آمده است. در بخش دیگری از این شماره آیین مقاله‌هایی از محمد مجتهد شبستری (شنیدن سخنان خداوند)، مصطفی ملکیان (عاطفه‌گرایی و جمع‌بین عقلایت و معنویت)، حبیب‌الله پیمان (نقش اخلاق در فلسفه نوین سیاسی) و سروش دبغ (راهی از بند) منتشر شده است. بخش دیگری از آیین این شماره نیز به فرهنگ و هنر اختصاص یافته که در آن مقاله‌ها و گزارش‌های درباره سینما و کتاب و فرهنگ و هنر به چاپ رسیده است.



مثل چند شماره گذشته این شماره نیز پرونده ویژه‌ای دارد و میزگردی با حضور کارشناسان برجسته درباره همان پرونده است.

پرونده آیین شماره به تحولات خاورمیانه اختصاص یافته است و صادق خرازی (سفر سابق ایران در فرانسه و از دیپلمات‌های برجسته) محمد علی سبحانی (دیپلمات)، داوود فیرحی (اسلام شناس)، سید علی محمودی

(پژوهشگر سیاسی) و حمیدرضا جلالی‌پور (جامعه شناس) در میزگرد این شماره به رویدادهایی که در خاورمیانه در حال وقوع است، پرداخته‌اند.

همچنین مقاله‌ها و یادداشت‌هایی از مسعود

مکتب

لحظه قایل

افشین یداللهی



■ چند روز قبل در جلسه‌ای عمومی برای شعرخوانی دعوت شده بودم، رقم و استقبال بسیار خوبی هم شد. در میان شعر و ترانه‌ها، غزلی هم با وزنی نسبتاً غیرمعمول خواندم. بعد از جلسه به گوشم رسید که پس از خواندن آن شعر، یکی از اساتید که غزل فکر می‌کنند، تمسخرکنان و فاتحانه از سالی بیرون آمده‌اند و به چندین نفر گفته‌اند: «دیدید شعر فلانی وزن نداشت؟ یا پر از ایرادهای وزنی بود؟»

من اول تعجب کردم، ولی بعد که این خبر متواتر شد، برای فضای حاکم بر بخشی از ادبیات‌مان، متأسف شدم که چرا بعضی از افراد نمی‌توانند در شان جایگاه‌شان و اساساً در شان ادبیات و شعر رفتار کنند؟ یکی از آفات شعر و شاعری ما «تنگ‌نظری» و «دورنگی» است و امیدوارم اگر از روزهای خوب خود فاصله گرفتیم به این آفت دچار نشویم و از آمدن شاعران جوان تر به حرمت اینکه زبان و ادبیات ما را به پیش خواهند برد، از مصمم قلب احساس خوشحالی و افتخار کنم و دلگرم باشیم که زبان فارسی هنوز زنده است. ما هر که باشیم، فقط وامدار و خدمتگزار فرهنگ و زبان‌مان هستیم.

بدیهیات اخلاقی و منش استنادانه ایجاب می‌کرد که اگر به فرض شعر من ایراد وزنی داشت، استاد به خودم یادآوری می‌کردند و می‌آموختند؛ من نیز دست‌شان را می‌بوسیدم و منت‌پذیر بودم؛ نه اینکه چون نتوانسته‌اند وزن شعر را تشخیص بدهند، همه جا به غلط جان بزنند که شعر، اشکال وزنی دارد. در این غزل فقط به منظور اجرای مضمون کلی در حال و هوای متن، از وزنی نسبتاً نامتعارف استفاده شده است.

مردم میان سوره شیطان و وحی جبرائیل مرددم میان دست خدا و گلولی اسماعیل مردم میان بوسه و خنجر، میان آتش و گل رسیده‌ام به شک قتل و نوازش، به رکعت‌های زمین، زمان، کجاست، به دور چه می‌گردد از حدوث قدیم؟

چرا جهان همیشه می‌رسد از نو، به لحظه قایل؟

کلافه‌ام میان عشق و خیانت، امانت و کینه عجب از آن پیمبر و پسران و عروس این فامیل مرددم میان نیل و عصا و نبی و گوساله میان کفر قاطعانه فرعون و دین اسرائیل گمان نمی‌کنم که پرده آخر، برای ما این است قیامتی به پانزسته، به سبور (صور) اعزای اسرائیل اگر من از ازل برای ابد آدمم، که می‌فهمم چگونه می‌رسم به آن سوی بودن، به مرگ عزرائیل

۱- هر دو معنا می‌تواند مدنظر قرار گیرد

اتفاق

استاد محمود ماهرالنقش در گذشت

میراثی نادر برای هنرمندان

سید محمد بهشتی



■ خدا چند روز آخر سال را به خیر بگذراند، ابتدا دکتر ایرج افشار، سپس دکتر محمود روح‌الامینی و حالا استاد محمود ماهرالنقش!

کسی که در زمینه تزیینات معماری اسلامی و در زمینه تخصصی نقوش هندسی آخرین استاد و آخرین کسی بود که مهارت آن را داشت و با تلاش زیاد نقوش را مستند کرد و در چند کتاب آنها را منتشر کرد. گرچه کارهای عملی او را ندیده بودم اما کارهای مستندشان کارهای بسیار ارزنده‌ای بود که قابلیت‌های هنری و علمی ایشان به خوبی در آن نمایان بود.

او در زمینه تزیینات معماری اسلامی به درستی کار می‌کرد تا بتواند هنر را ارتقاء دهد، استاد محمود ماهرالنقش از معدود افرادی بود که علم این کار را داشت و با مستند و منتشر کردن مطالعاتش کاری را انجام داد که تاکنون کسی انجام نداده بود.

باید تأکید کرد که مطالعه و مستند کردن تزیینات معماری اسلامی کاری بسیار نادر بود که از استاد برای هنرمندان نسل‌های بعد به ارث گذاشته شد.

